

احمد مصطفی مراغی در نه مارس 1881 در مراغه از توابع جرجا (در مصر) دیده به جهان گشود. در 23 سالگی با اخذ مدرک دکترا از دانشگاه الازهر مصر فارغ التحصیل شد. از سال 1904 تا 1907 به خواست محمد عبده در شهر دنقلهٔ سودان عهده‌دار منصب قضاوت گردید و پس از آن در سال 1923 به مقام ریاست دادگاه عالی شرع مصر در آمد.

مراغی در چهل و هفت سالگی (1928) به عنوان شیخ الازهر انتخاب شد. مخالفت شماری از اساتید الازهر با برنامه‌های اصلاحی مراغی و کوشش بسیار وی در جهت استقلال الازهر به استعفای زود هنگام مراغی در سال 1929 انجامید. تظاهرات دانشجویان و اساتید الازهر به طرفداری از مراغی، مقامات را ناگزیر از دعوت مجدد از مراغی ساخت. از این جهت مراغی از سال 1935 تا آخر عمر (1945) بر کرسی ریاست الازهر تکیه زد و خدمات چشمگیری انجام داد.

آثار مراغی

برخی از آثار و تألیفات مراغی عبارتند از:

الاولیاء و المحجورون

بحث فی وجوب ترجمة القرآن الکریم

بحوث فی التشریح الاسلامی و اسانید قانون الزواج

تفسیر جزء تبارک

تفسیر مراغی

الزمالة الانسانية

مباحث لغویة بلاغیة

نمایی کلی از تفسیر مراغی

این تفسیر از یک مقدمه و ذی المقدمه شکل گرفته است. مقدمه کتاب از سه قسمت تشکیل شده است:



قسمت نخست در دو صفحه به اسلوب مفسران گذشته و جدید و انگیزه نویسنده از تهیه این تفسیر می‌پردازد.

قسمت دوم در شانزده صفحه عنایت مسلمانان به تفسیر قرآن، طبقات مفسران، نظریات بزرگان در تعهد به رسم الخط عثمانی و روش مفسر را در خود جای داده است.

قسمت سوم در دو صفحه مراجع تفسیر المراغی را معرفی می‌کند. ذی المقدمه این تفسیر نیز در سی جزء، سوره‌های قرآن را به شیوه ترتیبی به تفسیر گرفته است.

در سرآغاز هر سوره قرآن چند خصوصیت سوره به بحث و بررسی گذاشته شده است:

1. تعداد آیات سوره
2. جایگاه سوره در میان دیگر سور قرآن از جهت زمان نزول
3. سبب نزول سوره
4. مکی یا مدنی بودن سوره و موارد استثنا
5. نزول دفعی یا تدریجی سوره
6. ارتباط سوره با سوره پیشین

نویسنده تفسیر مراغی پس از یاد خصوصیات و ویژگی‌های سوره و تقسیم بندی آیات به دسته‌های یک آیه‌ای، دو آیه‌ای، سه آیه‌ای و ... به تفسیر آیات می‌پردازد.

دسته بندی آیات در تفسیر مراغی در بیشتر موارد بدون عنوان انجام گرفته است، اما در برخی موارد برای هر مجموعه از آیات عنوان خاصی انتخاب شده است. برای نمونه عنوان «قصص قرآن» برای آیات 22-10 شعراء (مراغی، 48/19) و «قصص نوح» برای آیات 122-105 شعراء (همان، 80).

مصطفی مراغی در ذیل هر گروه از آیات چند بحث اصلی می‌آورد:

الف) تفسیر المفردات

در این بحث، بیشتر واژه‌هایی تبیین و تحلیل می‌شوند که فهم و درک آنها برای اکثریت مخاطبان دشوار باشد. (همان، 16/1)

بر این اساس در برخی موارد، مفردات آیه یا آیات، تفسیر و تحلیل نشده و عنوان «تفسیر المفردات» ذیل آیات دیده نمی‌شود. برای نمونه ذیل آیات 20-24 انعام (94/7) و 35-36 اعراف (145/8)، عنوان «تفسیر المفردات» نیامده است و در بعضی موارد این بحث بسیار کوتاه آمده است.

ب) المعنی الجملی

در این بحث مرحوم مراغی بیشتر درباره ارتباط آیات با آیات پیشین می‌گوید و در موارد کمی، سبب نزول یک مجموعه را یاد می‌کند (9/162؛ 28/60)، آیات آن مجموعه را توضیح می‌دهد (28/133)، یک نمای کلی از آیات می‌سازد، به روایات مرتبط به آن مجموعه اشاره می‌کند (28/133)، چنان‌که در برخی موارد هیچ نیازی به برقراری ارتباط میان آیات نمی‌بیند. (7/52-53)

ج) الابضاح

در این قسمت مرحوم مراغی به تبیین و تفسیر آیات می‌پردازد.

افزون بر عناوین اصلی یاد شده در ذیل برخی از آیات، عناوین دیگری نیز آمده است. برای نمونه بحث «شراط الساعة و اماراتها» (9/132)، «المهدی المنتظر» (9/133)، «مغزی هذا القصص» (8/123)، «یضاح لهذه القصة بما كتبه الباحثون» (19/96) و ...

مرحوم مراغی در پایان هر سوره نیز به صورت خلاصه به محتوای آن سوره اشاره می‌کند و در مواردی مانند سوره نساء، محتوای سوره را در سرآغاز سوره می‌آورد.



انگیزه مرحوم مراغی از تفسیر نویسی

مراغی، تفاسیر پیشینیان از آیات وحی را برنمی‌تابد و از چندین جهت بر تفسیر نویسان گذشته خرده می‌گیرد؛

(الف) تفاسیر ایشان بسیار فنی و پر اصطلاح است و در نتیجه خواننده به سختی می‌تواند به فهم معنا و مراد مفسران راه یابد.

(ب) در این تفاسیر قصه‌های ناسازگار با معارف و براهین عقلی فراوان است.

(ج) تفاسیر پیشینیان استوار بر اطلاعات و دانش‌های عصر ایشان است و با دانسته‌ها و یافته‌های جدید علمی ناسازگار می‌نماید.

(د) ایجاز تفاسیر که بسیار مطلوب تفسیر نویسان گذشته بوده است، مشکلات فراوانی فراروی مخاطبان معاصر قرار می‌دهد و فهم و درک تفاسیر را برای ایشان دشوار می‌سازد.

کاستی‌های یاد شده، مراغی را بر آن داشت که تفسیری مستقل از آیات قرآن عرضه دارد. تفسیری که نقایص تفاسیر پیشینیان را نداشته باشد، نیاز مخاطبان را پاسخگو باشد، با اسلوب و سلیقه مخاطبان همخوان باشد، به ایشان اطمینان خاطر دهد، همراه با حجت و برهان باشد، تجربه و آزمایش را مؤید خود داشته باشد، از روایات تهی باشد و آراء و نظریات جدید را در خود جای داده باشد. (1/3-4) از این رو در تفسیر مراغی از صاحبان فنون و علوم گوناگون در فهم آیات بسیار بهره گرفته شده و استوار سازی تفاسیر آیات بر اطلاعات گذشته عامل کجروی تفسیری معرفی شده است.

هدفمندی سوره‌ها

غرض‌مداری سوره‌های قرآن، امروزه یکی از مباحث مهم و تأثیر گذار علوم قرآنی شناخته می‌شود. این بحث از گذشته‌ای دور مورد توجه قرآن پژوهان و مفسران قرار داشته است. برای نمونه فخر رازی، بقاعی و سیوطی بر اهمیت این دانش بسیار تأکید دارند و در این زمینه صاحب اثر و تألیف هستند.

در میان قرآن پژوهان و تفسیر نویسان معاصر نیز گروه زیادی به بحث غرض سوره یا سوره‌های قرآن پرداخته و در جای جای آثار و تألیفات خویش از این بحث دفاع می‌کنند و در نقد نظریه مخالفان می‌کوشند.

یکی از تفسیر نویسان معاصر، احمد مصطفی مراغی است. او در جای جای تفسیر گرانسنگ خویش از هدفمندی سوره‌ها می‌گوید و برای ساخت غرض واحد، به پیوند آیات سوره می‌پردازد.

وحدت غرض در تفسیر المراغی

مرحوم مراغی در شمار قرآن پژوهان و تفسیر نویسانی است که به بحث هدفمندی سوره‌ها توجه دارد. او در قسمت پایانی هر سوره با عناوین گوناگونی، غرض، موضوع، مقصد و ... را به بحث می‌نشیند. برخی از این عناوین عبارتند از: «خلاصة ما اشتملت عليه السورة الكريمة من الاحكام»؛ خلاصه احکامی که سوره مشتمل بر آنهاست.

«خلاصة ما تحويه السورة الكريمة من الاغراض»؛ خلاصه اغراضی که سوره در خود جای داده است.

«مشمتملات هذه السورة الكريمة»؛ آنچه در این سوره کریمه آمده است.

«مجمل ما حوته السورة الكريمة من الموضوعات»؛ اجمال موضوعاتی که سوره در خود آورده است.

«خلاصة ما تضمنته السورة من المقاصد»؛ خلاصه مقاصدی که سوره متضمن آنهاست.

کاربرد کلمه مقاصد، موضوعات، اغراض، احکام و ... در عناوین یاد شده از این‌همانی این واژگان حکایت دارد، به خصوص با نظر داشت اینکه محتوای این مباحث شبیه یکدیگر است و در برخی موارد کلمه اغراض و مقاصد در کنار یکدیگر به کار رفته است، مانند: «ما حوته السورة الكريمة من اغراض و مقاصد».



بر این اساس، مراغی در جای جای تفسیر خویش مقاصد سوره را به شمارش می‌گیرد. برای نمونه در پایان سوره اعراف با عنوان «خلاصه ما اشتملت علیه السوره من الاغراض و المقاصد»، هفت غرض ذکر می‌کند:

1. التوحید: ...
2. الوحی و الکتب: ...
3. الرسالة و الرسل: ...
4. عالم الآخرة: ...
5. اصول التشريع: ...
6. آیات الله و سننه فی الکون: ...
7. سننه تعالی فی الاجتماع و العمران البشری: ... (160-157/9)

هم ایشان برای سوره هود، کهف، نور، مریم، انشراق، طارق به ترتیب هجده، پانزده، بیست، سی، دو و چهار غرض شمارش می‌کند. (16/30، 18/143، 16/90-91)

امکان وحدت غرض در تفسیر مراغی

توجه مراغی به بحث اغراض سوره و شمارش آنها در پایان تفسیر هر سوره به معنای اعتقاد مراغی به تعدد غرض و انکار وحدت غرض نیست، چه اینکه: الف) در برخی موارد با وجود طولانی بودن سوره و وجود ده‌ها دسته آیه، تنها از یک غرض واحد سخن می‌گوید. برای نمونه سوره یوسف را تک غرض می‌داند؛ غرض این سوره اثبات وحدانیت، نبوت، بعث رسل و بت پرست و نصرانی بودن منکران توحید است. (16/55)

ب) در ایجاد ارتباط میان دسته‌های مختلف سوره که به وحدت غرض می‌انجامد، کوشش بسیار دارد.

مراغی چنان‌که پیش از این گفته آمد، آیات یک سوره را بسته به غرض آیات دسته بندی می‌کند. بنابراین وقتی میان دو یا چند مجموعه از آیات ارتباط برقرار می‌کند، در حقیقت تجمیع چند غرض را برای رسیدن به غرض واحد روا می‌داند. در نتیجه برقراری ارتباط میان تمامی دسته‌های آیات یک سوره به معنای پذیرش امکان جمع میان اغراض در یک غرض واحد خواهد بود، به خصوص با نظر داشت اینکه ایجاد ارتباط میان دسته‌های آیات در تمامی تفسیر مراغی دنبال شده است و مراغی این ارتباط را تنها در یک یا چند سوره برقرار نمی‌کند.

ج) افزونی تعداد دسته‌های آیات در یک سوره بر تعداد اغراضی که برای آن سوره آمده است، نشان دیگری بر پذیرش وحدت غرض در تفسیر مراغی است. توضیح آنکه مرحوم مراغی گروه بندی آیات قرآن را بر اساس غرض آیات انجام داده است، در نتیجه اگر یک سوره مجموعه‌ای از ده گروه آیه باشد، آن سوره ده غرض خواهد داشت. بنابراین اگر نویسنده تفسیر المراغی تعداد اغراض یک سوره را کمتر از تعداد دسته‌های آیات بیان می‌کند، به این نتیجه می‌رسیم که ایشان جمع میان چند غرض را امکان پذیر می‌داند.

برای نمونه مرحوم مراغی آیات سوره احزاب را به بیست و پنج گروه تقسیم می‌کند، بنابراین بر اساس مبنای ایشان این سوره باید بیست و پنج غرض داشته باشد، در صورتی که مراغی تنها پانزده غرض برای این سوره می‌آورد. (53/22-54)

در نتیجه اگر جمع میان غرض چند دسته از آیات جایز باشد، جمع میان اغراض تمامی دسته‌ها و رساندن آنها به یک غرض واحد امکان پذیر است و هیچ‌گونه ناسازگاری با سیستم فکری مراغی نخواهد داشت.

از این رو مراغی در مورد سوره‌های بلند قرآن، کوشش بسیار در ساخت یک غرض واحد نشان می‌دهد. برای نمونه در ارتباط میان آیات سوره بقره به گونه‌ای سخن می‌گوید که به نظر می‌رسد این سوره تنها یک غرض دارد و آن هم فراخوان مردم به قرآن و محتوای آن است؛



«در آغاز بقره از عدم شک و ریب در قرآن، هدایتگری قرآن برای تقوایبشگان، صفات اهل تقوا، اصول ایمان، خبر کافران و مرتابین، احکام صیام، حج، طلاق، محاجه با اهل کتاب به خصوص یهود سخن گفته شده و در پایان سوره ایمان پیامبر و مسلمانان به قرآن، کتب و رسل آمده است.» (83/3)

هم ایشان سوره حمد را در بردارنده تمام مقاصد قرآن معرفی می‌کند و تمامی سور قرآن را تفصیل اجمال این سوره می‌داند؛

«توحید، وعد و وعید، عبادت، راه سعادت و داستان هدایت یافتگان و گمراهان از مقاصد قرآن است و این مقاصد همگی به صورت خیلی فشرده در سوره حمد جلوه می‌کند. در (الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ) توحید، در (مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ) وعد و وعید، در (اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ) طریق سعادت، در (صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ) داستان هدایت یافتگان و گمراهان آمده است و این همه در دیگر سور قرآن به تفصیل گذاشته شده است.» (23/1)

بنابراین مراغی امکان وحدت غرض در تمامی سور قرآن را باور دارد و در جای جای تفسیر خویش به گونه‌ای عمل می‌کند که نشان از امکان جمع میان اغراض متفاوت و در عین حال همسو و رساندن آنها به یک غرض واحد دارد و اگر در تفسیر ایشان تصریحاتی به تعدد غرض وجود دارد، این تصریحات به معنای مخالفت ایشان با نظریه وحدت غرض و ناممکن بودن جمع میان آنها نخواهد بود.

برقراری ارتباط میان آیات یک سوره

غرض سوره یکی از ملاک‌های بسیار مهم در برقراری ارتباط میان آیات سوره است. در تفسیر مراغی چنان‌که گفته آمد، آیات دسته بندی شده و گاه در یک دسته از آیات، یک یا دو موضوع به بحث گذاشته شده است. در این موارد ایجاد ارتباط میان دو مجموعه با توجه به اینکه ممکن است در هر مجموعه دو یا چند موضوع به بحث گذاشته شده باشد امکان پذیر نیست، مگر در صورتی که ملاک ارتباط، غرض سوره قرار گیرد و با توجه و الهام از غرض سوره، ارتباط میان چند مجموعه برقرار گردد.

چنان‌که سیوطی در این باره می‌نویسد:

«امر کلی و تأثیر گذاری که برای شناخت ارتباط آیات با یکدیگر در تمامی قرآن به کار می‌آید، آن است که مخاطب قرآن به غرضی که سوره برای آن هدف فرود آمده است نظر کند.» (سیوطی، 293/2)

بر این اساس در تفسیر مراغی شکل‌های مختلفی از ارتباط دیده می‌شود.

انواع ارتباط میان آیات یک سوره

الف) ارتباط صدر یک سوره با پایان همان سوره

در برخی موارد نویسنده تفسیر المراغی برای برقراری ارتباط میان دو مجموعه از آیات، به صدر سوره و پایان همان سوره توجه دارد.

برای نمونه در بحث «المعنی الجملی» ذیل آیه 176 می‌نویسد:

«پس از آنکه در آغاز سوره از احکام اموال سخن گفته شد، در پایان سوره نیز از احکام اموال سخن گفته می‌شود تا آغاز و انجام سوره همانند یکدیگر باشد.»

(38/6)

چنان‌که در ارتباط صد و دوازده آیه نخست سوره براءت با آیات بعد می‌نویسد:

«از اول سوره تا به اینجا سخن در مورد براءت از کافران و منافقان در تمامی زمینه‌ها بود و از اینجا به بعد سخن در براءت از اموات ایشان است، هر چند آنها در نهایت نزدیکی باشند مثل پدر و مادر.» (35/11)

ب) ارتباط آیات هم سیاق

پیوند آیات در تفسیر مراغی بیشتر در این قالب قرار می‌گیرد. نویسنده پس از دسته بندی آیات بر اساس غرض، ذیل هر مجموعه عنوان «المعنی الجملی» را می‌آورد. او در این بحث بیشتر میان دو مجموعه‌ای که در کنار هم قرار گرفته‌اند ارتباط برقرار می‌کند.

در این نوع از ارتباط، نویسنده المراغی از شیوه‌های گوناگونی بهره می‌گیرد:



1. ایجاد ارتباط با تمام آیات مجموعه قبل:

نویسنده تفسیر مراغی در مواردی از تمامی مجموعه قبل برای ایجاد ارتباط سود می‌برد. برای نمونه آیات 7-10 سوره توبه را به دو گروه تقسیم می‌کند؛ آیه هفت و هشت را در یک مجموعه و آیه نه و ده را در مجموعه دوم قرار می‌دهد. همو در ایجاد ارتباط از تمامی آیات مجموعه اول سود می‌برد و ارتباط را به بخشی از آیات محدود نمی‌کند؛

«پس از آنکه حضرت حق در آیات شریفه قبل افزونی فسق مشرکان و خروج اکثر ایشان از فضایل فطری و تقلیدی را یاد کرد، تا آنجا که ایشان دیگر به خویشاوندی و عهد و پیمان نیز پایبندی نشان ندادند، در این دو آیه شریفه سبب این خروج را ذکر کرد.» (63/10)

هم ایشان در بحث «المعنی الجملی» آیات 4-6 انعام، از ارتباط این مجموعه با تمامی مجموعه قبل (آیات 1-3) سخن می‌گوید:

«در مجموعه آیات پیشین از دلایل توحید، بعث، علم مطلق الهی و مخالفت کافران و مشرکان سخن گفته شده و در این مجموعه از سبب هدایت نشدن ایشان به وحی و عاقبت تکذیب کنندگان.» (74/7)

2. ایجاد ارتباط با آخرین آیه مجموعه قبل:

در برخی موارد مرحوم مراغی برای ایجاد ارتباط میان دو مجموعه از آیات، از آخرین آیه مجموعه قبلی سود می‌برد. برای نمونه، ایشان آیات 64 تا 72 سوره مریم را به دو دسته تقسیم می‌کند. آیه 64 و 65 را در یک مجموعه و آیات 66 تا 72 را در مجموعه دوم قرار می‌دهد.

هم ایشان در ایجاد ارتباط میان گروه دوم با گروه اول از بخشی از آیه 65 (فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا) سود می‌برد؛

پس از آنکه خداوند به پرستش خویشتن و شکیبایی در عبادت فرمان داد، در آیات زیر نجات بخشی عبادت در روز قیامت به عنوان یک فایده عبادت بیان می‌شود (73/16):

(وَيَقُولُ الْإِنْسَانُ أَتَدَا مَا مَتَّ لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا * أَوَلَا يَذْكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ وَكَمْ يَكُ شَيْئًا * فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا * ثُمَّ لَنَنْزِعَنَّ مِنْ كُلِّ شِيعَةٍ أَيُّهُمْ أَشَدُّ عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا * ثُمَّ لَنَحْنُ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ هُمْ أَوْلَىٰ بِهَا صِلِيًّا * وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا * ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا) (مریم 72-66)

«نسان می‌گوید: آیا پس از مردن زنده بیرون خواهم آمد؟! آیا انسان به خاطر نمی‌آورد که ما پیش از این او را آفریدیم در حالی که چیزی نبود؟! سوگند به پروردگارت که همه آنها را همراه با شیاطین در قیامت جمع می‌کنیم. سپس همه را در حالی که به زانو در آمده‌اند، گرداگرد جهنم حاضر می‌سازیم. سپس از هر گروه و جمعیتی، کسانی را که در برابر خداوند رحمان از همه سرکش‌تر بوده‌اند، جدا می‌کنیم. بعد از آن ما به خوبی از کسانی که برای سوختن در آتش سزاوارترند، آگاه‌تریم! و همه شما وارد جهنم می‌شوید؛ این امری است حتمی و قطعی بر پروردگارت! سپس آنها را که تقوا پیشه کردند از آن رهایی می‌بخشیم؛ و ظالمان را در آن رها می‌سازیم.»

3. ایجاد ارتباط با مجموعه میانی آیات قبل:

برای نمونه در ارتباط مجموعه 9-11 با مجموعه 6-8 توبه، ارتباط را میان مجموعه دوم با یک قسمت از آیه هفتم (لِيُبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا) برقرار می‌کند؛ «پس از آنکه حق تعالی از آفرینش آسمان و زمین برای آزمایش انسان و شکرگزاری یا کفر او می‌گوید، در این مجموعه جدید طبیعت انسان را یاد آور می‌شود...» (7/12)

ج) ایجاد ارتباط میان دو مجموعه جدا افتاده

در تفسیر مراغی گاهی میان دو مجموعه جدا از هم ارتباط برقرار می‌گردد. برای نمونه آیات 1-8 سوره هود به سه گروه تقسیم شده است؛ گروه اول آیات 1-4، گروه دوم آیه 5 و گروه سوم آیات 6-8. مرحوم مراغی در مقام ایجاد ارتباط میان گروه سوم و آیات قبل، دسته سوم را به گروه اول و آن هم به آخرین آیه و عبارت (وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) ارتباط می‌دهد؛

«پس از آنکه حق تعالی در آیات پیشین از قدرت بی‌کران خویش نسبت به همه



اشیاء گفت و علم خود به پنهان و آشکار در سینه‌ها را بیان کرد، در پی آن از آثار قدرت حق تعالی و متعلقات علم حضرت حق که مردمان بسیار به آن اهمیت می‌دهند می‌گوید و آن چیزهایی است که به حیات و شئون ایشان بستگی دارد. آن‌گاه از آفرینش تمام هستی و جایگاه عرش الهی می‌گوید و در ادامه از امتحان بشر به منظور کشف اینکه کدامین افراد بهترین عمل را دارند سخن گفته می‌شود و افزون بر این بعث اخروی ایشان برای دریافت اجر و پاداش با وجود انکار کفار و تعجیل در عذابی که خدا به ایشان داده است، مورد بحث قرار می‌گیرد.» (4/12)

چنان‌که هم ایشان آیات 35-37 مائده را به آیات 20-26 ارتباط می‌دهد که مؤمنان در مقابل حسد یهود بر پیامبر، در برابر آن حضرت تسلیم باشند. (108/6)

د) ارتباط میان یک مجموعه با تمامی مجموعه‌های پیشین

مرحوم مراغی در برخی موارد از ارتباط یک مجموعه با تمامی مجموعه‌های پیشین سخن می‌گوید و به صورت بسیار فشرده به وجوه ارتباط اشاره می‌کند. برای نمونه در بحث «المعنی الجملی» ذیل آیات 50-53 انعام، میان این مجموعه با چندین مجموعه قبل ارتباط برقرار می‌کند. (130/7)

روش شناسی ایجاد ارتباط میان آیات

در تمامی موارد یاد شده، مرحوم مراغی برای پیوند آیات از موازین خاصی پیروی می‌کند که برخی از آن موازین عبارتند از:

1. **ارتباط واژگانی:** در برخی موارد مرحوم مراغی برای ایجاد ارتباط میان دو مجموعه از آیات، از یکی از واژه‌های مجموعه قبل سود می‌برد. برای نمونه در ایجاد ارتباط میان آیات 6-7 با مجموعه قبلی، یعنی آیات 1-2 سوره مائده، واژه «عقود» را مورد توجه قرار می‌دهد. او بر اساس (أَوْفُوا بِالْعُقُودِ) میان عبد و خدا دو عهد برقرار می‌کند. عهد ربوبیت و عهد عبودیت و طاعت.

در نگاه مرحوم مراغی، آیه نخست مائده در مورد عهد ربوبیت است و آیات 6-7 در مورد عهد عبودیت و طاعت که در بحث عبودیت و طاعت، نماز بزرگ‌ترین طاعت شناخته می‌شود. از این رو خداوند در آیات پیشین از عهد ربوبیت می‌گوید و در این مجموعه از عهد عبودیت که نماز برترین آن است. (61/6)

2. ارتباط سبب و مسبب: در برخی موارد مرحوم مراغی برای ایجاد ارتباط میان دو مجموعه از رابطه سبب و مسبب بهره می‌گیرد. برای نمونه در بحث «المعنى الجملى»، آیات 13-15 برائت را به یک قسمت از آیه 12 - (فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ) - پیوند می‌زند و رابطه مجموعه دوم را با این قسمت آیه شریفه رابطه سبب و مسبب معرفی می‌کند؛

«بعد ان امر سبحانه بقتال ائمة الكفر ذكر السبب الذى يبعث على قتالهم.»
(66/10)

«پس از آنکه خداوند دستور به کشتن بزرگان کفر داد، سبب این کشتن را یاد کرد.»

چنان‌که هم ایشان رابطه مجموعه 1-2 سوره نحل با مجموعه 3-16 همین سوره را رابطه دلیل و مدعا می‌بیند. در مجموعه نخست مبرا بودن حق تعالی از شریک و فرزند آمده است و در مجموعه دوم ادله توحید ذکر شده است. (55/14)

3. ارتباط اجمال و تفصیل: مرحوم مراغی برای ایجاد ارتباط میان آیات برخی از سوره‌ها، از رابطه اجمال و تفصیل سود می‌گیرد. برای نمونه در ایجاد ارتباط میان آیات 5-6 سوره یونس با آیات 3-4 همین سوره، مجموعه دوم را تفصیل مجموعه اول می‌خواند؛

«پس از آنکه در مجموعه پیشین از نشانه‌های وجود خدا چون آفرینش آسمان‌ها و زمین سخن گفته شد، در این مجموعه از انواع دیگری از مخلوقات هستی به عنوان آیات وجود خدا یاد شد تا این مجموعه، تفصیل اجمال پیشین قرار گیرد.»
(67/11)



4. ارتباط توصیفی: مراغی، آیات 6-12 سوره هود را به دو گروه تقسیم

می‌کند:

گروه نخست:

(وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ * وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَئِنْ قُلْتُمْ إِنَّا لَنُكْفِرُكُمْ بِمَعُونَتِنَا مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ * وَلَئِنْ أَخْرَنَّا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ لَيَقُولُنَّ مَا يَحْبِسُهُ أَلَا يَوْمٌ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ) (هود 6-8)

«هیچ جنبه‌ای در زمین نیست مگر اینکه روزی او بر خداست! او قرارگاه و محل نقل و انتقالش را می‌داند؛ همه اینها در کتاب آشکاری ثبت است! او کسی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید؛ و عرش او بر آب قرار داشت؛ تا شما را بیازماید که کدام یک عملتان بهتر است! و اگر بگویید: شما بعد از مرگ، برانگیخته می‌شوید! مسلماً کافران می‌گویند این سحری آشکار است. و اگر مجازات را تا زمان محدودی از آنها به تأخیر اندازیم، می‌گویند: چه چیز مانع آن شده است؟ آگاه باشید آن روز که به سراغشان آید، از آنها بازگردانده نخواهد شد؛ و آنچه را مسخره می‌کردند، دامانشان را می‌گیرد.»

گروه دوم:

(وَلَئِنْ أَدْقْنَا الْإِنْسَانَ مَتًّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَا مِنْهُ إِنَّهُ لَيُؤَسُّ كُفُورًا * وَلَئِنْ أَدْقْنَاهُ نِعْمَاءً بَعْدَ ضِرَاءٍ مَسْتَهَّ لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ السَّيِّئَاتُ عَنِّي إِنَّهُ لَفَرِحَ فَخُورًا * إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ) (هود 9-11)

«و اگر از جانب خویش نعمتی بر انسان بچشانیم سپس آن را از او بگیریم، بسیار نومید و ناسپاس خواهد بود! و اگر بعد از شدت و رنجی که به او رسیده، نعمت‌هایی به او بچشانیم، می‌گوید: مشکلات از من بر طرف شد و دیگر باز نخواهد گشت! و غرق شادی و غفلت و فخر فروشی می‌شود، مگر آنها که صبر و استقامت ورزیدند و کارهای شایسته انجام دادند؛ که برای آنها آمرزش و اجر بزرگی است!»

به باور مراغی پس از آنکه در مجموعه پیشین از آفرینش آسمان و زمین برای امتحان انسان در شکر و کفر سخن گفته شد - (لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا) - در این مجموعه طبیعت انسان توصیف می‌شود؛ «وقتی به انسان نعماتی می‌رسد و بعد آن نعمات گرفته می‌شود، انسان از رحمت الهی مأیوس می‌شود و کافر می‌گردد و هر

گاه پس از سختی‌ها و مشکلات به انسان نعمتی داده شود، او کبر می‌ورزد.»
(7/12)

5. **ارتباط غرضی:** در برخی موارد نویسنده تفسیر مراغی از غرض میان چند مجموعه به عنوان عامل ارتباطی سود می‌گیرد. برای نمونه در ایجاد ارتباط میان آیات 41-50 سوره مریم با چند مجموعه پیشین از غرض مشترک بهره می‌برد؛ «غرض سوره مریم اثبات وحدانیت حق تعالی، نبوت و بعث است. بر این اساس در این سوره دو گروه به عنوان منکران توحید معرفی شده و باور ایشان به نقد گرفته شده است: گروه نخست آنان که یک موجود زنده را معبود خویش قرار داده و گروه دوم آنان که یک موجود بی جان را به پرستش گرفته‌اند. گروه نخست در آیات 1-41 که از چند مجموعه تشکیل شده مورد توجه قرار گرفته‌اند و گروه دوم در مجموعه آیات 41-50.» (55/16)

هم ایشان در برخی موارد، تکرار موضوع یا غرض در چند مجموعه را به علت تفاوت اسلوب می‌بیند. برای نمونه در ارتباط آیات 12-19 سوره انعام می‌نویسد: «آیات پیشین، توحید، بعث و جزا را به عنوان اصول سه گانه دین بیان می‌کند و آیات 12-19 با اسلوب پرسش و پاسخ، همان اصول را مطرح می‌کند.»
(85/7)

6. **ارتباط مفهومی:** در تفسیر مراغی ارتباط میان دو مجموعه در برخی موارد به دشواری درست می‌شود. برای نمونه مرحوم مراغی برای ارتباط میان آیات 20-26 و آیات 27-32 سوره مائده از حسد به عنوان یک عنصر مشترک میان این دو مجموعه بهره می‌گیرد. به باور ایشان آیات مجموعه نخست از حسد یهود بر پیامبر می‌گوید و آیات مجموعه دوم از حسدی که در نهاد بنی آدم نهفته است و در حقیقت آیات مجموعه دوم می‌خواهد بگوید که حسدی که یهود داشتند در فرزندان بنی آدم نهفته شده است. (96/6)



7. ارتباط تبیینی: مرحوم مراغی در ارتباط میان آیات 1 و 2 با آیه سوم سوره مائده از تبیینی بودن آیه سوم می‌گوید؛

«هذا شروع فی بیان المحرمات التي اشیر اليها فی اول السوره بقوله «إِلا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ» و هي عشره انواع.» (47/6)

«این شروع در بیان محرمات الهی است که در سرآغاز سوره با عبارت «مگر آنچه بر شما خوانده می‌شود» به آن اشاره شده است و آن محرمات ده نوع است.»

روش شناسی کشف غرض سوره

الف) نام سوره

یکی از راه‌های کشف غرض سوره، نام سوره است. از این رو برهان‌الدین بقاعی نام سوره را ترجمه‌ای از مقصود سوره می‌شناسد.

تعدد نام‌های سوره‌های قرآن هر چند می‌تواند نشان از تعدد غرض داشته باشد، اما در نهایت می‌توان این اغراض را در ذیل یک غرض واحد قرار داد. برای نمونه اسامی سوره حمد از وجود چند غرض در این سوره حکایت دارد، اما می‌توان توصیف خداوند به کمال مطلق را غرض اصلی این سوره معرفی کرد و دیگر اغراض را در خدمت این غرض اصلی فهم و درک کرد.

برای نمونه سوره نساء، فیل، انفال، و ... نشان از موضوع این سوره‌ها دارد. به خصوص با نظر داشت اینکه شماری نام‌گذاری سوره‌ها را توقیفی می‌دانند و دلایلی چند بر این مدعا عرضه می‌دارند.

ب) مکی و مدنی بودن سوره

یکی دیگر از راه‌های مرحوم مراغی برای شناخت غرض سوره، کشف مکی یا مدنی بودن سوره است. این کشف ممکن است درون سوره‌ای یا برون سوره‌ای انجام گرفته باشد. می‌توانیم از موضوعاتی که در سوره آمده است، مکی یا مدنی بودن سوره را نتیجه بگیریم، یا اینکه با توجه به دیگر متون، قرائن، مستندات

تاریخی و روایی، مکی یا مدنی بودن سوره را نتیجه گیری کنیم. برای نمونه با توجه به خصوصیات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی پیش از هجرت و تفاوت این خصوصیات با شرایط پس از هجرت، می‌توان از این شرایط به غرض سوره دست یافت. مثلاً می‌توان از فضای حاکم بر مدینه از جهت اعتقادی، اجتماعی، قومیتی و ...، به غرض سوره بقره پل زد و غرض این سوره را شناسایی و تبیین کرد.

بر این اساس مرحوم مراغی از موضوعات سوره‌های مکی یا مدنی به موضوع سوره پل می‌زند. برای نمونه از آن جهت که اثبات اصول توحید، نابودی شرک، اثبات رسالت، بعث و جزا از موضوعات سور مکی است، حکم به مکی بودن سوره یونس می‌دهد. (58/11) و از آن جهت که سوره حج را مکی و مدنی می‌شناسد، موضوعات آن را مشترک میان مکی و مدنی می‌داند. (83/17)

فواید بحث هدفمندی سوره‌ها

یکی از فواید بحث هدفمندی سوره‌ها، شناخت سوره‌های مکی و مدنی است. مرحوم مراغی با شناخت غرض و موضوع سوره، مکی یا مدنی بودن سوره را نتیجه می‌گیرد. برای نمونه ایشان در سوره یونس حکم به مکی بودن می‌دهد و غرض یا موضوع سوره یونس را اثبات اصول توحید و نابودی شرک، اثبات رسالت، بعث و جزا، دفع شبهات و دیگر مقاصد دین می‌داند و موضوعات یاد شده را همان موضوعات سور مکی می‌شناسد. (58/11)

فهم بهینه آیات

شناخت هدف سوره، ملاک و معیار بسیار مهمی در فهم آیات وحی می‌باشد. از این رو مراغی در سرآغاز هر سوره با نظر داشت اغراض سوره‌های مکی و مدنی، به بحث درباره مکی یا مدنی بودن سوره می‌پردازد و پس از آن با برقراری ارتباط میان سوره با سوره پیشین، یک نمای کلی از غرض یا اغراض سوره می‌سازد و بر این اساس به دسته بندی آیات سوره می‌پردازد و آیات را به گونه‌ای دسته بندی می‌کند که در راستای هدف کلی سوره قرار گیرد.



مبانی بحث وحدت غرض سوره

1. تدریجی بودن نزول آیات: این شکل از نزول شاهدهی بر غرض مندی سوره است. نزول تدریجی آیات به مناسبت‌های مختلف و تعیین جایگاه آیات از سوی پیامبر نشان از هدفمندی سوره، مجموعه‌ای از آیات یا یک آیه دارد.

2. توقیفی بودن ترتیب آیات سوره: بسیاری توقیفی بودن ترتیب سوره‌ها را یکی از مبانی بحث غرض سوره می‌شناسند. در توقیفی یا اجتهادی بودن سور قرآن مرحوم مراغی بحث مستقلی ندارد، اما به صورت خیلی فشرده نظریه خویش را در این باره ابراز می‌دارد؛

«و كان النبي ﷺ عند نزول الآية او الآيات يأمر بان توضع في محلها من سورة كذا.» (103/5)

«پیامبر ﷺ پس از نزول آیه یا آیاتی از قرآن، جایگاه آنها را در سوره مشخص می‌ساخت.»

هم ایشان اختلاف برخی صحابه در مورد آیه شریفه (لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ ...) (توبه/128-129) و توقیفی بودن ترتیب این دو آیه یا اجتهادی بودن آن را گزارش می‌کند و با نقل دلایل هر دو گروه، در پایان از نظریه توقیفی بودن ترتیب این دو آیه حمایت می‌کند و نظریه‌ای را که حاکی از توقیفی بودن است، مقدم بر نظریه اجتهادی بودن می‌خواند. (56/11)

نسبت مقاصد سوره با تقسیم بندی آیات

مرحوم مراغی آیات سوره را بر اساس غرض آیات تقسیم بندی می‌کند. او گاه آیات یک سوره را به چند دسته تقسیم می‌کند و در پایان تفسیر سوره، به همان تعداد برای سوره غرض شمارش می‌کند. برای نمونه آیات سوره زخرف را به ده دسته تقسیم می‌کند و در پایان این سوره نیز ده غرض برای سوره شمارش می‌کند. (117/25)

در مواردی نیز تعداد اغراض شمارش شده برای سوره، بیش از دسته بندی آیات سوره است. برای نمونه برای سوره دخان نه غرض ذکر می‌کند (139/25)، در صورتی که آیات این سوره را به هفت گروه تقسیم می‌کند.

چنان‌که در مواردی دیگر تعداد اغراض شمارش شده برای سوره از تعداد گروه‌های آیات سوره کمتر است. برای نمونه برای سوره احزاب پانزده غرض آورده است (54-53/22)، در صورتی که آیات این سوره را به بیست و پنج دسته تقسیم می‌کند.

دسته بندی یاد شده نشان می‌دهد که در نظرگاه مرحوم مراغی جمع میان چند غرض در یک غرض واحد امکان پذیر است. برای نمونه بر اساس شیوه مرحوم مراغی، هر دسته از آیات اشاره به یک غرض خاص دارد، بنابراین وقتی مرحوم مراغی سوره احزاب را به بیست و پنج دسته تقسیم می‌کند، حتماً در نگاه ایشان این سوره به همین تعداد غرض دارد، از این رو به چه علت مراغی در مقام شمارش اغراض این سوره از پانزده غرض سخن می‌گوید، این نیست مگر از آن جهت که ایشان امکان جمع میان چند غرض و ساخت یک غرض واحد را امکان پذیر می‌داند.

بنابراین جمع میان اغراض یک سوره و ساخت یک غرض واحد در سیستم فکری مراغی امکان پذیر است، به خصوص با نظر داشت این موضوع که ایشان غرض آیات را که در دسته‌های آیات قرآن جلوه می‌کند، به یکدیگر ارتباط می‌دهد. افزون بر این، رویه مرحوم مراغی در بحث هدفمندی قرآن و آیه، که اولی نسبت به بحث هدفمندی سوره عام است و دومی خاص، نشان از اعمال همین رویه در مورد هدفمندی سوره دارد. اگر مرحوم مراغی در بحث غرض قرآن ساخت غرض واحد را امکان پذیر می‌داند، بنابراین در ساخت غرض سوره نیز به امکان این ساخت معتقد است، چنان‌که ساخت غرض واحد برای آیات نیز امکان ساخت یک غرض واحد را اجازه می‌دهد.

بنابراین شایسته است نگاهی به بحث وحدت غرض در مورد قرآن و آیات داشته باشیم.



هدفمندی قرآن

مرحوم مراغی قرآن را دارای هدف و غرض می‌شناسد. او در مواردی از اهداف و مقاصد قرآن می‌گوید و در برخی موارد از غرض قرآن سخن به میان می‌آورد. بنابراین مرحوم مراغی دو گونه سخن درباره هدفمندی قرآن دارد:

گونه نخست؛ در برخی موارد از مقاصد قرآن می‌گوید و خویش را معتقد به تعدد غرض نشان می‌دهد. برای نمونه در وجه تسمیه سوره نخست قرآن به ام‌الکتاب می‌نویسد:

«لاشتمالها علی مقاصد القرآن من الثناء علی الله و التعبد بامرہ و نھیہ و بیان وعده و وعیدہ» (23/1)

«از آن جهت که این سوره مقاصد قرآن را در خود جای داده است، مقاصدی

چون ثنای حق تعالی، تعبد به اوامر و نواهی الهی و وعد و وعید خداوند.»

در این عبارت به صراحت از مقاصد قرآن گفته است و خویش را معتقد به تعدد غرض نمایانده است.

نمونه دوم در دلیل تقدیم سوره حمد، از مقاصد قرآن یاد می‌کند و دلیل مقدم بودن سوره حمد را اشمال آن بر تمامی مقاصد قرآن می‌داند.

به باور مراغی، توحید، وعد و وعید، عبادت، راه سعادت، قصص هدایت یافتگان و گمراهان در شمار مقاصد قرآن قرار دارد و این مقاصد همگی در سوره حمد به شکل اجمال آمده است. (23/1)

در دو نقل یاد شده مرحوم مراغی از واژه مقاصد سود برده است و خویش را معتقد به تعدد غرض در مورد قرآن نشان داده است.

گونه دوم؛ در برخی موارد از واژه مقصد یا مقصود بهره می‌برد و باورمندی خود را به وحدت غرض در مورد قرآن ابراز می‌دارد. برای نمونه در بحث «المعنی الجملی» ذیل آیات 190-195 آل عمران با استناد به سخن فخر رازی از ارتباط آیات با یکدیگر می‌نویسد:

«فخر رازی معتقد است که هدف این کتاب جذب قلوب و ارواح است، به

گونه‌ای که افراد از خلق فارغ شده و در معرفت حضرت حق تعالی غرق شوند. پس چون سخن در تقریر کلام و جواب از شبهات اهل باطل به درازا کشید، به ذکر دلایل توحید، الوهیت و عظمت پرداخت، پس این آیه شریفه فرود آمد.»

(161/4)

هر چند عبارت «هدف این کتاب ...» نقل سخن فخر رازی است، اما لحن مرحوم مراغی نشان از پذیرش این سخن دارد. از این رو به قرینه این سخن می‌توان نویسنده تفسیر مراغی را در شمار مفسرانی آورد که وحدت غرض در قرآن را باور دارد و چند غرض قرآن را به یک غرض واحد می‌رساند. افزون بر این کوشش شدید مراغی در پیوند میان سوره‌ها و ایجاد یک شبکه وسیع ارتباطی نشان از باور نویسنده به امکان جمع و رساندن مقاصد قرآن به یک مقصد واحد دارد.

مرحوم مراغی در جای جای تفسیر خویش سوره‌های قرآن را به یکدیگر پیوند می‌دهد. او در مقام ارتباط سازی میان سوره‌ها که بیشتر در سرآغاز سوره‌ها انجام می‌گیرد، چهار شکل از ارتباط میان سوره‌ها برقرار می‌کند.

الف) پیوند آغاز دو سوره

در برخی موارد مرحوم مراغی برای برقراری ارتباط میان دو سوره، به آیات نخست دو سوره توجه می‌کند و ارتباط را میان این دو مجموعه برقرار می‌بیند. برای نمونه در ارتباط صدر سوره یوسف با صدر سوره هود می‌نویسد:

«جائت فاتحة هذه السورة كفاتحة سورة يونس، خلا ان القرآن وصف بالمبین و

هناك بالحکیم.» (111/12)

«آغاز این سوره مانند آغاز سوره یونس است، با این تفاوت که در سوره یوسف

قرآن به مبین توصیف شده است و در سوره یونس به حکیم.»

هم ایشان ارتباط سوره آل عمران و بقره را در همین قالب می‌ریزد؛

«سرآغاز هر دو سوره درباره کتاب، ایمان آوران، کافران و منافقان است.»

(90/3)



چنان‌که محور ارتباطی سوره شعراء و فرقان را آیات نخستین این دو سوره می‌داند؛

«ان کلتیهما قد بدئت بمدح الكتاب الکریم.» (44/19)

«هر دو سوره با مدح کتاب کریم آغاز شده است.»

و همچنین ارتباط سوره طور با ذاریات. (16/27)

ب) پیوند پایان دو سوره

همانندی پایانی دو سوره یکی دیگر از وجوه ارتباط است. مرحوم مراغی در برقراری ارتباط میان برخی سوره‌های قرآن از همانندی پایان دو سوره سود می‌برد. برای نمونه ارتباط سوره بقره و آل عمران را در همانندی پایانی این دو سوره می‌بیند؛

«در پایان دو سوره دعا آمده است، جز اینکه در پایان بقره دعا برای پیروزی بر منکران و محاربان دعوت است و در پایان آل عمران دعا برای قبول دعوت دین و پاداش آن.» (90/3)

چنان‌که پایان سوره شعراء و فرقان در وعید تکذیب کنندگان است؛

«ان کلتیهما ختمت بايعاد المکذبین.» (44/19)

و پایان سوره طور و ذاریات در وعید کافران. (16/27)

ج) پیوند آغاز یک سوره و پایان سوره قبل

یکی دیگر از وجوه ارتباط سوره‌های قرآن، ارتباط صدر یک سوره با پایان سوره قبل است. این شکل از ارتباط در جای جای تفسیر مراغی مورد استفاده قرار گرفته و نویسنده، آن را از بهترین گونه‌های ارتباط معرفی می‌کند؛

«ان آل عمران ختمت بالامر بالتقوی و افتتحت هذه السورة بذلک و هذا من آكد

المناسبات فی ترتیب السور.» (173/4)

«سوره آل عمران با امر به تقوا پایان یافته است و سوره نساء با امر به تقوا شروع شده است و این شکل از ارتباط از بهترین انواع ارتباط میان سوره‌هاست.»

بر این اساس مرحوم مراغی در کشف ارتباط آیات نخست یک سوره و آیات پایانی سوره پیشین و تبیین آن بسیار دقت می‌کند. او درباره ارتباط صدر سوره انعام با پایان مائده می‌نویسد:

«ان هذه افتتحت بالحمد و تلك اختتمت بفصل القضاء و بينهما تلازم كما قال (وَقَضَىٰ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ) (زمر/75)» (69/7)

«سوره انعام با حمد شروع شده و سوره مائده با داوری نهایی پایان یافته است و میان این دو رابطه ملازمه برقرار است، چنان‌که خداوند فرمود: و در میان بندگان به حق داوری می‌شود و (سرانجام) گفته خواهد شد: حمد مخصوص خدا پروردگار جهانیان است!»

هم ایشان در ارتباط آیات 5-6 انعام با آیات پایانی سوره مائده می‌گوید:

«پس از اینکه خداوند در آیات پیشین به دلایل وحدانیت خویش اشاره کرد و این آیات را با وجود ظهوری که دارند مانع شک کافران ندانست، در این مجموعه به دلایل بعث اخروی می‌پردازد و این دلایل را نیز مانع شک و تردید کافران نمی‌بیند.» (مراغی 74/7)

به باور مرحوم مراغی ارتباط آغاز سوره احزاب و پایان سوره سجده نیز یکی از وجوه ارتباط میان این دو سوره است؛

«در سوره سجده پیامبر به اعراض از کافران و انتظار عذاب ایشان فرا خوانده می‌شود و در صدر سوره احزاب آن حضرت به تقوا و عدم پیروی از کافران و منافقان و پیروی از وحی دعوت می‌شود.» (123/21)

و همچنین تشابه صفات واجب الوجود در پایان سوره احزاب با صفات واجب الوجود در آغاز سوره سبأ. (55/22) و نیز همانندی ختم سوره جاثیه به توحید و ذم اهل شرک و شروع سوره احقاف به توحید و توبیخ مشرکان. (3/26)

و ارتباط آخر احقاف و آغاز سوره محمد به گونه‌ای که اگر بسم الله برداشته شود، دو سوره کاملاً به یکدیگر متصل می‌نماید و چون یک سوره جلوه می‌کنند.

(43/26)

(د) پیوند پایان یک سوره با آغاز سوره قبل



یکی دیگر از اشکال ارتباط میان سوره‌های قرآن، ارتباط میان پایان یک سوره و صدر سوره قبل است. این شکل از ارتباط در تفسیر مراغی امری پذیرفته شده است و نویسنده در جای جای تفسیر خویش از این شیوه برای ارتباط میان سور قرآن بهره می‌گیرد.

برای نمونه در بحث از وجوه ارتباط سوره بقره و آل عمران می‌نویسد:

«ان الثانية ختمت بما يناسب بدء الاولى كانها متممة لها، فبدئت الاولى باثبات

الفلاح للمتقين و ختم هذه بقوله (وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ)»

«سوره دوم به چیزی پایان یافته که اولی به آن شروع شده است و به نظر

می‌رسد که دومی متمم اولی است. بنابراین سوره اول به اثبات رستگاری برای

متقین شروع شده و آل عمران به آیه «و از خدا بپرهیزید شاید رستگار شوید»

پایان یافته است.» (91/3)

چنان‌که در ارتباط سوره الرحمن با سوره واقعه نیز پایان یک سوره و آغاز

سوره دیگر مد نظر نویسنده قرار گرفته است و ارتباط دو سوره بر این دو بخش از

دو سوره متمرکز شده است؛

«فقد ذكر في اول هذه ما في آخر تلك، و في آخر هذه ما في اول تلك.»

(130/27)

«در اول سوره الرحمن چیزی آمده است که آن چیز در آخر واقعه آمده است و

در آخر الرحمن چیزی آمده که در اول واقعه آمده است.»

این همه نشان از آن دارد که مرحوم مراغی با پیوند سوره‌ها به یکدیگر و

برقراری ارتباط میان آنها در پی ساخت هدف یا موضوع واحد است و می‌خواهد

به شکلی تمامی سوره‌ها را به یکدیگر پیوند دهد که در غیر این صورت برقراری

ارتباط میان تمامی سوره‌ها و ساخت یک زنجیره واحد، بیهوده و لغو جلوه می‌کند.

روش شناسی ارتباط سوره‌ها

مرحوم مراغی در پیوند میان سوره‌ها از ملاک‌های خاصی بهره می‌گیرد:

الف) هم موضوعی

یکی از مهم‌ترین معیارهای مرحوم مراغی در پیوند میان سوره‌ها، هم موضوعی دو سوره است. او در جای جای تفسیر خویش از این ملاک برای ایجاد ارتباط میان سوره‌ها بهره می‌گیرد.

برای نمونه ارتباط سوره اعراف و انفال در داستان پیامبران است. در سوره اعراف قصه پیامبران با قوم خویش آمده است و در سوره انفال گزارش داستان پیامبر با قوم خود. (161/9)

ارتباط سوره قریش با فیل نیز هم موضوعی است. در هر دو سوره نعمت خداوند بر اهل مکه آمده است. سوره فیل از هلاکت آنان که قصد تخریب کعبه را داشتند خبر می‌دهد و سوره قریش از اجتماع و اتحاد ایشان و توفیق در تجارت. (244/30)

سوره عنکبوت و قصص نیز ارتباط موضوعی دارند و هر دو از نجات پیامبران و هلاکت مخالفان می‌گویند. (109/20)

سوره حجرات و فتح نیز در تکریم پیامبر، با یکدیگر مشترک و در ارتباط هستند. (129/26)

هم موضوعی در تفسیر مراغی به عنوان یک معیار پیوند میان دو سوره به شکل‌های خاصی جلوه می‌کند که برخی از آنها عبارتند از:

1. ایجاز و اطناب

در برخی موارد رابطه دو موضوع به شکل ایجاز و اطناب است. برای نمونه سوره اعراف شارح مباحث موجز سوره انعام است. در سوره انعام اصول عقاید و کلیات دین به صورت موجز آمده است و در سوره اعراف این اصول و کلیات به اطناب گذاشته شده و عموم بعثت پیامبر و قصص پیامبران و اقوام ایشان بیش از دیگر مباحث اطناب یافته است. (97/8)

پیوند دو سوره قصص و نمل نیز از نوع موضوعی و رابطه میان دو موضوع از نوع ایجاز و اطناب است. نمل قصه موسی را موجز آورده و سوره قصص این داستان را اطناب داده است. (30/20)

2. اجمال و تفصیل

هم موضوعی در قالب اجمال یک موضوع در یک سوره و تفصیل همان موضوع در سوره دیگر، از دیگر وجوه پیوند موضوعی است. نویسندگان تفهیم المراغی پیوند سوره روم با عنکبوت را در هم موضوعی و آن هم به شکل اجمال و تفصیل می‌بیند؛

«ان ما فی هذه السوره من الحجج علی التوحید و النظر فی الآفاق و الانفس مفصل لما جاء منه مجملاً فی السورة السالفة.» (26/21)

«دلایل توحید و نظر در آفاق و انفس در سوره روم تفصیل چیزی است که در سوره عنکبوت به صورت مجمل آمده بود.»

هم ایشان موضوع سوره یوسف را مجمل و موضوع سوره رعد را تفصیل این اجمال می‌شناسد. در سوره یوسف آیات سماویه و ارضیه به صورت مجمل آمده است و در سوره رعد این موضوعات به تفصیل گذاشته شده است. (60/13)

چنان‌که ارتباط سوره شعراء و فرقان (44/19)، قصص و نمل (30/20)، صافات و «یس» (41/23)، ذاریات و «ق»، غاشیه و اعلی و انعام و مائده را هم موضوعی و رابطه این دو موضوع را اجمال و تفصیل معرفی می‌کند.

3. ناقص و تمام

یکی دیگر از وجوه پیوند موضوعی میان دو سوره، ارتباط ناقص و کامل است. به باور مراغی در برخی سوره‌های قرآن، موضوع به نحو ناقص طرح شده و در شماری دیگر همان موضوع به شکل کامل به بحث گرفته شده است. برای نمونه در سوره هود داستان پیامبران به شکل ناقص آمده است و در سوره یوسف با طرح قصه یوسف 7، داستان پیامبران کامل شده است. (111/12)

چنان‌که سوره نمل تتمه سوره شعراء، سوره روم تتمه سوره عنکبوت در بحث جهاد و مشکلات و سختی‌ها، و «ص» متمم صافات است.



4. عام و خاص

به باور مرحوم مراغی، در مواردی پیوند موضوعی به شکل عام و خاص خود را عرضه می‌کند. برای نمونه سوره طلاق در خصوصت زنان و سوره تحریم در خصوصت همسران پیامبر است. (154/28)

چنان‌که سوره طلاق در نیکویی با زنان و پاس داشتن حقوق ایشان است و سوره تحریم در شکل برخورد پیامبر با همسران خویش. (154/28)

5. دلیل و مدلول

پیوند موضوعی به شکل دلیل و مدلول، یکی دیگر از وجوه ارتباط است. بر اساس این شکل از ارتباط، مرحوم مراغی سوره ملک را با سوره قلم در ارتباط می‌بیند. او سوره ملک را «تهدید المشرکین بتغییر الارض» می‌داند و سوره قلم از چیزی یاد می‌کند که مانند دلیل برای این تهدید است: «و هو ثمر البستان الذی طاف علیه طائف فاهلکه و اهلك اهله و هم نائمون» (26/29)

6. فعل و حکمت آن

ارتباط موضوعی در قالب فعل و فلسفه آن، یکی دیگر از وجوه پیوند سوره‌ها شناخته می‌شود. برای نمونه موضوع سوره رعد نزول قرآن است، چنان‌که موضوع سوره ابراهیم نیز نزول قرآن است و ارتباط این دو موضوع با یکدیگر به شکل فعل و حکمت فعل است. در سوره رعد نزول قرآن آمده است و در سوره ابراهیم فلسفه نزول قرآن بیان شده است. (22/13)

ب) هم غرضی

معیار دوم مرحوم مراغی در ارتباط میان سوره‌ها هم غرضی است. برای نمونه ایشان سوره جاثیه را در پیوند با سوره دخان می‌بیند و در توضیح این پیوند، از غرض واحد دو سوره سود می‌برد:

«و مناسبتها لما قبلها، ان اول هذه مشاكل لآخر سابقتها فی الاغراض و

المقاصد.» (140/25)

«و ارتباط سوره جاثیه با دخان در این است که اول سوره جاثیه از جهت غرض

مانند آخر سوره دخان است.»

ج) تناسق

یکی دیگر از ملاک‌های مرحوم مراغی در پیوند میان سوره‌ها، تناسق میان سوره‌هاست. برای نمونه ایشان سوره قمر و نجم را در پیوند با یکدیگر می‌بیند و دلیل این پیوند را تناسق (عطف کلمات به یکدیگر به صورت پی در پی به گونه‌ای که بیشترین بلاغت را در خود داشته باشد) می‌داند. (74/27)

د) اضداد

معیار دیگر نویسنده تفسیر المراغی در پیوند میان سوره‌ها، رو در رو قرار دادن دو موضوع است. برای نمونه سوره منافقون در پیوند با سوره جمعه است، چه اینکه در سوره جمعه حال اهل ایمان آمده است و در سوره منافقون حال اهل نفاق؛ «و فی هذه ذکر اضرار هم و هم المنافقون.» (105/28)

«در سوره منافقون، اضرار مؤمنین که همان منافقین هستند ذکر شده‌اند.»

چنان‌که تلازم و اتحاد آسمان و زمین در سوره الرحمن و سوره واقعه عامل پیوند دو سوره معرفی شده است؛

«انه ذکر فی سورة الرحمن انشقاق السماء و ذکر هنا رج الارض فکان السورتین لتلازمهما و اتحادهما موضوعا سوره واحده.» (130/27)

«خداوند سبحان در سوره الرحمن شکافته شدن آسمان را ذکر می‌کند و در سوره واقعه لرزش زمین را، بنابراین هر دو سوره به جهت رابطه ملازمه و اتحاد موضوعی یک سوره هستند.»

نتیجه: مرحوم مراغی با کوشش بسیار و گاه تکلف آمیز، سوره‌ها را با یکدیگر پیوند می‌دهد. او با ایجاد یک شبکه ارتباطی قوی و گسترده میان سوره‌ها از علاقه خویش به ساخت یک غرض واحد برای قرآن پرده برمی‌دارد و پاسخ در خوری به مستشرقان شبهه افکن می‌دهد.



مبنای بحث وحدت موضوعی سوره‌های قرآن

یکی از مبانی مهم و اصلی بحث ارتباط سوره‌های قرآن، توقیفی بودن ترتیب سوره‌هاست. در چینش سوره‌های قرآن سه نظریه وجود دارد:

نظریه نخست: ترتیب سور قرآن اجتهادی است.

نظریه دوم: چینش سوره‌های قرآن توقیفی است.

نظریه سوم: مرتب سازی برخی سوره‌ها توقیفی و چینش برخی دیگر اجتهادی است.

در تفسیر مراغی نشانه‌هایی از گرایش نویسنده به نظریه میانه وجود دارد.

1. پدید آورنده تفسیر مراغی از یک سو از سوره‌های السبع الطوال، مئین، مثنی، مثنی و مفصلات سخن می‌گوید و چینش سور قرآن را بر اساس بلندی و کوتاهی سوره‌ها می‌داند و از این ترتیب دفاع می‌کند. (69/7) و از سویی دیگر تقسیم سوره‌ها به السبع الطوال، مئین، مثنی و مفصلات را به پیامبر نسبت می‌دهد؛

«ان الله اعطانی السبع الطوال مکان التوراة و اعطانی المئین مکان الانجیل و اعطانی الطواسین مکان الزبور و فضلنی بالحوامیم و المفصل.»

«خدای سبحان به جای تورات به من سوره‌های هفت گانه را داد و به جای انجیل سوره‌های مئین و به جای زبور سوره‌های طواسین را داد و افزون بر تمامی اینها، به من سوره‌های حوامیم و مفصلات را داد.» (44/19)

نظر داشت این دو سخن نشان از گرایش مرحوم مراغی به توقیفی بودن ترتیب سوره‌ها به یک اعتبار و اجتهادی بودن چینش سوره‌ها به اعتباری دیگر دارد. سخن پیامبر در تقسیم سوره‌ها و دسته بندی سوره‌های قرآن به چهار گروه السبع الطوال، مئین، مثنی و مفصلات حکایت از دخالت پیامبر در مرتب سازی سوره‌ها دارد.

پیامبر با این تقسیم بندی و تعیین سوره‌های السبع الطوال، به شکلی ساختار کلی چینش سوره‌ها را برای صحابه بیان کردند و صحابه با شناسایی مصادیق هر گروه، به مرتب سازی سوره‌ها بر اساس ساختار از پیش تعیین شده پیامبر پرداختند.



2. پیوند صدر سوره با صدر سوره پیشین، ذیل سوره با صدر سوره قبل، صدر سوره با ذیل سوره قبل، ذیل سوره با ذیل سوره قبل و میانه دو سوره، نشانه دیگری از اعتقاد مراغی به توقیفی بودن ساختار کلی ترتیب سوره‌هاست. هر چند مرحوم مراغی در چینش سوره‌ها به صورت کلی از نظریه توقیف گرایان حمایت می‌کند و به صورت جزئی طرفدار نظریه اجتهادی بودن است، اما ترتیب قرآن موجود را نشانگر ارتباط حداکثری میان سوره‌ها نمی‌داند. چه اینکه گاه دو سوره‌ای که در نهایت تناسب با یکدیگر هستند، در قرآن موجود از یکدیگر جدا افتاده و دو سوره‌ای که کمترین ارتباط را دارند، در کنار هم آمده‌اند. برای نمونه سوره همزه و مسد که بیشترین پیوند را با یکدیگر دارند و موضوع آنها واحد است، از یکدیگر جدا افتاده و میان آنها شش سوره فیل، قریش، ماعون، کوثر، کافرون و نصر قرار گرفته است.

هدفمندی آیات

مرحوم مراغی، وحدت غرض در مورد آیات قرآن را باور دارد. از این رو در جای جای تفسیر خویش آیات را به دسته‌های یک آیه‌ای، دو آیه‌ای و چند آیه‌ای تقسیم می‌کند و ملاک این بخش بندی را غرض واحد آیات می‌خواند. (16/1) هر چند مراغی در ارتباط میان دو یا چند مجموعه از آیات پر توان می‌نماید، اما در ایجاد ارتباط میان آیات یک مجموعه یا جملات یک آیه، آن گونه که باید، توانا نشان نمی‌دهد. برای نمونه عبارت (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ) (مائده/3) و (يُوسُفُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا وَاسْتَغْفِرِي لِذَنبِكِ إِنَّكِ كُنْتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ) (یوسف/29) بی‌ارتباط با سیاق می‌نماید و مراغی از ارتباط این دو جمله با سیاق هیچ سخنی ندارد.

منابع و مأخذ:

1. سیوطی، عبدالرحمن؛ الاتقان فی علوم القرآن، بیروت، دار الفکر، بی تا.
2. مراغی، احمد مصطفی؛ تفسیر مراغی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.